

است، اما در ادبیات اقتصاد سیاسی بین الملل، ثبات هژمونیک در اصل نظریه ای رئالیستی قلمداد شده است و عمده ترین مدافعان آن نیز به جریان رئالیسم تعلق دارند. ایده ثبات هژمونیک در ابتدا از سوی اقتصاددان لیبرال «چارلز کیندلبرگر¹» - بدون به کارگیری این اصطلاح - مطرح شد (Berger, 1983: 626). کیندلبرگر معتقد بود که ثبات اقتصاد جهانی نیازمند وجود یک ثبات دهنده است که البته نباید به بیش از یک ثبات دهنده گسترش یابد (Keohane and Nye, 1977: 44). با توجه به اینکه تأکید بر مقوله ی اقتصاد باعث شکل گیری این موضوع شده است، از نقطه نظر رابرت گیلپین، یک قدرت هژمون باید باشد تا ثبات اقتصادی و مبادله آزاد کالا را تضمین کند. از نظر او قدرت هژمون منفعت کلیت سیستم را حفظ می کند در عین این که منافع خود را نیز تأمین می کند. هدف نهایی این هژمون، حفظ ثبات در گردش اقتصادی جهان و حفظ نظم برای ایجاد فضای مناسب در جهت مبادلات و بده بستان های اقتصادی است. در چارچوب این منطق است که هژمونی آمریکا خوش خیم مطرح می شود و بیان می گردد که بر اساس یک اجماع این هژمونی مشروعیت یافته است و هژمونی مبتنی بر اجماع است. حال اگر این امپراطوری بر مبنای دعوت² در جهت حفظ ثبات اقتصادی جهانی و تداوم فضای مطلوب برای فعالیت های اقتصادی به وجود آمده است، ضرورت می یابد برای تداوم سیستم حاکم اقتصادی، دست به رفتار همگرایی و توازن اقتصادی با چین بزنند.

در چارچوب نظریه رابرت گیلپین، در صورتی که افزایش توان چین در صدد بر هم زدن نظم اقتصادی حاکم باشد، آمریکا بایستی با روش همگرایی و توازن با این کشور برخورد نماید.

از نظر گیلپین؛ علت اتخاذ روش همگرایی اقتصادی آمریکا با چین در این است که

¹ Kindle Berger

² Invitation

رشد اقتصادی سریع چین، این کشور را در مسیری قرار داده است که هژمونی در حیات خلوت آمریکا را در آینده نه چندان دور محتمل می سازد (Ibid: 44).

نظریه بازی دو سطحی (بازی مرکب از تعارض و همکاری)

سیاست بین الملل را به بهترین نحو می توان در چارچوب نظری بازی هایی درک کرد که متضمن ترکیب پیچیده سیاسی از گرایشات به سمت حالت حاصل جمع صفر¹ و حالت حاصل جمع غیر صفرند².

ویژگی هرج و مرج گونه نظام بین الملل، این نظام را واجد خصیصه اساسی یک بازی چند نفره با حاصل جمع غیر صفر، یعنی فقدان یک مرجع مرکزی که قادر به تعریف اهداف مشترک و تنظیم انتخاب های بازیکنان باشد، نموده است (قوام 1371: 352).

هر دولت بازیکن برای خویشتن، لوازم بقاء، منافع حیاتی شخصی و سیاست هایی را که موجب تقویت رفاه خود آن دولت می شود، تعیین می کند. گاه محاسبات منافع ملی ایجاب می کند که دولت های بازیکن - خواه دو و یا چندی از آن ها - با اتخاذ دیدگاه پیشبرد منافع متقابل برای همکاری هم وعده شوند، اما در یک نظام فاقد قدرت فائده مرکزی که هیچ مکانیسمی برای به اجرا گذاشتن قوائد وجود ندارد، نمی توان وعده های دولت ها را واجد قدرت الزامی مطلق دانست. احترام به وعده و رعایت قوائد، به ارزیابی مستمر هر دولت بازیکن به این مسأله بستگی دارد که سایر بازیگران تا چه حد وعده های خویش را رعایت می کنند.

تردیدی نیست که در دوران سلاح های هسته ای، تاکید بر عنصر نفع مشترک و همکاری تلویحی برای پرهیز از جنگ عمومی شدیداً لازم و مطلوب است به امید آنکه کفه این عناصر بر عناصر واگرا و متعارض، سنگینی کند، اما شاید برخی از تخفیف های

¹ Zero Sum Game

² Non Zero Sum Game

زیاده روی خطرناک در عرصه منازعات بین الملل، بعضی از تحلیل گران را به نادیده گرفتن اختلافات اساسی میان «باید» و «هست» سوق داده باشد. سیاست بین الملل برای اکثر بازیگران، یک بازی با حاصل جمع غیر صفر است؛ زیرا دولت ها معمولاً گرایش به آن دارند که در محدوده عقلانیت عمل کنند. اما در هر دورانی ممکن است برخی رقبای سیاسی-ایدئولوژیکی، رویارویی با یکدیگر را نمونه مشهود یک بازی با حاصل جمع صفر بدانند (دوئرتی و فالتزگراف، 1372: 796). بی شک بخش اعظم کیفیت با حاصل جمع صفر بودن برخی از روابط دو جانبه میان دولت ها در قرن حاضر، تابع تلقیات ایدئولوژیکی رهبران این کشورها است (همان: 796).

اگر گروهی که واجد سمت گیری های ایدئولوژیک است و منازعه را نوعی بازی با حاصل جمع صفر می بیند، کنترل حکومت را به دست گیرد ممکن است این منازعه به راستی به یک بازی با حاصل جمع صفر تبدیل شود و در این فرآیند نیز، همتایان آن ها در کشور دوم، دیر یا زود همان شیوه را در پیش خواهند گرفت. نظریه بازی ها و بازی سازی در روابط بین الملل رابطه تنگاتنگی با تصمیم گیری و چانه زنی دارد، لذا حتماً برای مطالعه رفتارهای بین الملل استفاده از تکنیک های تصمیم گیری همچون، انجام حرکتی بر روی صفحه شطرنج دیپلماسی^۱، لاف زنی^۲، توپ زدن^۳، به کارگیری اهرم چانه زنی^۴ و تلاش برای حدس زدن اقدامات حریف یا گیر انداختن حریف^۵ اقدامی مناسب و ضروری است (shubik, 1970: 35). در یک بازی با حاصل جمع صفر بین بازیگران الف و ب، هر میزان امتیازی که الف

1. Making Moves on The Diplomatic Chess Board.

2. Bluffing.

3. Upping The Ante.

4. Using Bargaining Chips.

5. Trying to Second- Guess or Outwit THE Opponent

به دست آورد «ب» به همان اندازه امتیاز از دست می دهد (مقتدر، 1370: 10).

برای تحلیل رفتار آمریکا در قبال چین در چارچوب نظریه بازی ها، بایستی گونه‌های متفاوت این رفتارها را از هم تفکیک کرد، در چارچوب روابط سیاسی- استراتژیک این پتانسیل وجود دارد که رفتار دو کشور به سمت همگرایی پیش رود یا این که به منازعه بینجامد، برای مثال، روابط آمریکا و چین بر سر مساله تایوان یک مساله غیر قابل گذشت است که در چارچوب بازی حاصل جمع صفر قابل تحلیل است، ولی در مورد روابط اقتصادی دو کشور، اغلب تحلیل گران اقتصادی دنیا، بازی حاصل جمع غیر صفر^۱ را مرجح و عقلانی تر می دانند. زیرا در صورت پرهیز از لطمات ناشی از رقابت افراط آمیز، هر دو کشور دست کم در کوتاه مدت می توانند با هم سود ببرند، و از مزیت های نسبی اقتصادی هم برای تحول بیشتر اقتصادی کشورشان بهره مند شوند، به عبارتی ادبی، ستاره اقبال و سرنوشت طرف های دخیل در پدیده اقتصادی به راحتی می تواند با هم طلوع کند (Ibid, 1970: 35).

مدل سازه انگاری^۲ بهترین گزاره مفهومی در سنجش رفتار آمریکا با چین در دوران جدید

امروزه فرآیند انتقال قدرت در برخی از جنبه های هژمونی آمریکا به برخی کشورها از جمله چین حتمی ناپذیر است و این اندیشه ذهن بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب نموده است.

اندیشه انتقال قدرت به این مفهوم است که نظام بین الملل به صورت سلسله مراتبی است و تحت رهبری یک کشور مسلط (آمریکا) قرار دارد. سیاست های ائتلاف در این نظام تثبیت شده و غیرقابل انعطاف است، به این معنی که افزایش قدرت داخلی یک ملت- راضی یا ناراضی از وضع موجود- منبع اصلی و بزرگترین عامل ناآرامی ها در

¹. Reductionalism

². Structivism

نظام بین الملل خواهد بود، اندیشه انتقال قدرت اساساً رشد سریع و تغییر کیفی قدرت داخلی را مهمترین عوامل برای قدرتمندتر شدن کشورها و در نتیجه به چالش کشیدن نظم بین المللی می داند. این اندیشه که برخاسته از دیدگاه ارگانسی است تنها یک توضیح ساختاری پیشنهاد می کند و متغیرهای مهمی مثل محیط تصمیم گیری، ادراکها، شخصیت و دیگر عوامل تأثیرگذار در تصمیم گیری را نادیده می انگارد.

مدلی که می تواند ما را در تحلیل این فرآیند کمک کند، مدل سازه انگاری است. رهیافت سازه انگاری حاصل مناظره چهارم روابط بین الملل و در واقع سنتزی از مکاتب مدرنیسم و پست مدرنیسم است که بر روابط ساختار- کارگزار تأکید می کند. منظور از ساختار؛ نظام بین الملل و منظور از کارگزار همان دولت به مثابه مهمترین واحد سیاسی می باشد. سازه انگاری بر مفاهیمی همچون هویت ها، هنجارها و منافع به صورت توأمان تأکید می کند و معتقد است که هویت کارگزاران (دولت ها) براساس نقشی است که آن ها در یک رابطه ی بین الأذهانی در ساختار (نظام بین الملل) بر عهده می گیرند. (قوام، 1384: 124) برطبق این مدل، مکانیسم انتقال قدرت از آمریکا به چین بسیار دینامیک و پویا است و تصمیم گیری، دولتمردی و دیپلماسی را در این زمینه مورد بحث قرار می دهد. مفهوم مبنایی مدل جدید این است که فرآیند انتقال قدرت از پیش تعیین شده نیست، بلکه این امر به وسیله ترکیبی از ملاحظات سیاسی و فرصت های جنگی عینیت می یابد و گویا می شود. تعامل محیط بین المللی، سیاست های داخلی و عوامل اجتماعی، فرآیند انتقال قدرت و تصمیمات سیاسی را تشکیل می دهند. یک تحلیل چند سطحی در سطوح بین المللی، داخلی، اجتماعی و فردی که شرایط داخلی و بین المللی متحول را مورد توجه قرار می دهد، الگوی جامع تری را برای توضیح و پیش بینی تعامل قدرت های بزرگ در نظام بین المللی عرضه می دارد. (قوام، 1384: 124) الگوی جدید نه تنها می تواند توضیح دهد که چرا انتقال قدرت در طول تاریخ به جنگ یا صلح منجر شده، بلکه می تواند پیش بینی کند که چه اتفاقی در حال وقوع است

و بنابراین می تواند توصیه های سیاسی متناسب را به منظور اجتناب از جنگ طی انتقال قدرت آتی از آمریکا به چین در برخی جنبه ها، ارائه نماید. از طریق این الگو می توان دریافت که تعاملات در همه سطوح چهارگانه بین آمریکا و چین از 1990 مثبت بوده یا به سمت جهت گیری های مثبت حرکت می کرده است، اما در همه این سطوح مسائلی وجود دارد، این مدل در پی کشف آن است که دو کشور به توسعه بیشتر روابط، ایجاد اعتماد متقابل و ممانعت از قرار گرفتن مسائل مناقشه انگیز در دستور کار اصلی نیاز دارند. به علاوه این بحث مطرح شده است که با سیاست گذاری آینده نگرانه و حمایت عمومی، آمریکا و چین می توانند روابط میان خود را به صورت صلح آمیز و با آرامش در عصر جهانی شدن و عمیق شدن وابستگی های متقابل اداره نمایند.

بر طبق نظریه سازه انگاری چنانچه حکومت مردم و رهبران در هر دو طرف قدرت مسلط و چالشگر ارزیابی مثبتی از روابط دو جانبه داشته باشند و نظام بین المللی را دوستانه تلقی نمایند، دو کشور از همزیستی با یکدیگر راضی خواهند بود و انتقال قدرت به صورت صلح آمیز انجام خواهد گرفت.

الگوی جدید می تواند به خوبی آن چه که در جریان انتقال قدرت از آمریکا به چین و چالش های بین آن ها اتفاق می افتد را پیش بینی کند. بنابراین توصیه های سیاسی برای چین و آمریکا یا هر قدرت دیگر و گروهی از قدرت ها، در راستای مدیریت تعامل آنان به صورت ساختاری، پیش از وقوع انتقال قدرت مهم است.

بنابراین در چارچوب مدل ساختار- کارگزار در فرآیند اتخاذ الگوهای رفتاری آمریکا با چین متغیرهایی همچون محیط تصمیم گیری، ادراک ها، شخصیت و دیگر عوامل تأثیرگذار در تصمیم گیری مورد کاربرد علنی قرار می گیرند، اما آن چه که آمریکا می تواند انجام دهد این است که از نزدیک با چین ارتباط داشته باشد و انتقال قدرت صلح آمیز به چین را ترغیب نماید. بهترین گزینه برای آمریکا این نیست که مانع ارتقاء چین شود بلکه باید در آن اثر گذارد و تعدیل ایجاد نماید.

هر دو کشور باید همزیستی صلح آمیز را یاد بگیرند و علایق حیاتی دیگری را محترم شمارند. چین و آمریکا هیچ یک خواهان تکرار خطاهای استراتژیک کشورهای قدرتمند اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نیستند. به علاوه در مورد مسأله، هردوی آمریکا و چین نیاز به آن دارند که حوزه های دیگر عدم توافق مثل حقوق بشر و منع گسترش تسلیحات را مورد شناسایی قرار دهند. مهم است که چین ارزش های محوری دموکراسی و حقوق بشر آمریکا را درک کند. (جاموسی، 1384: 53)

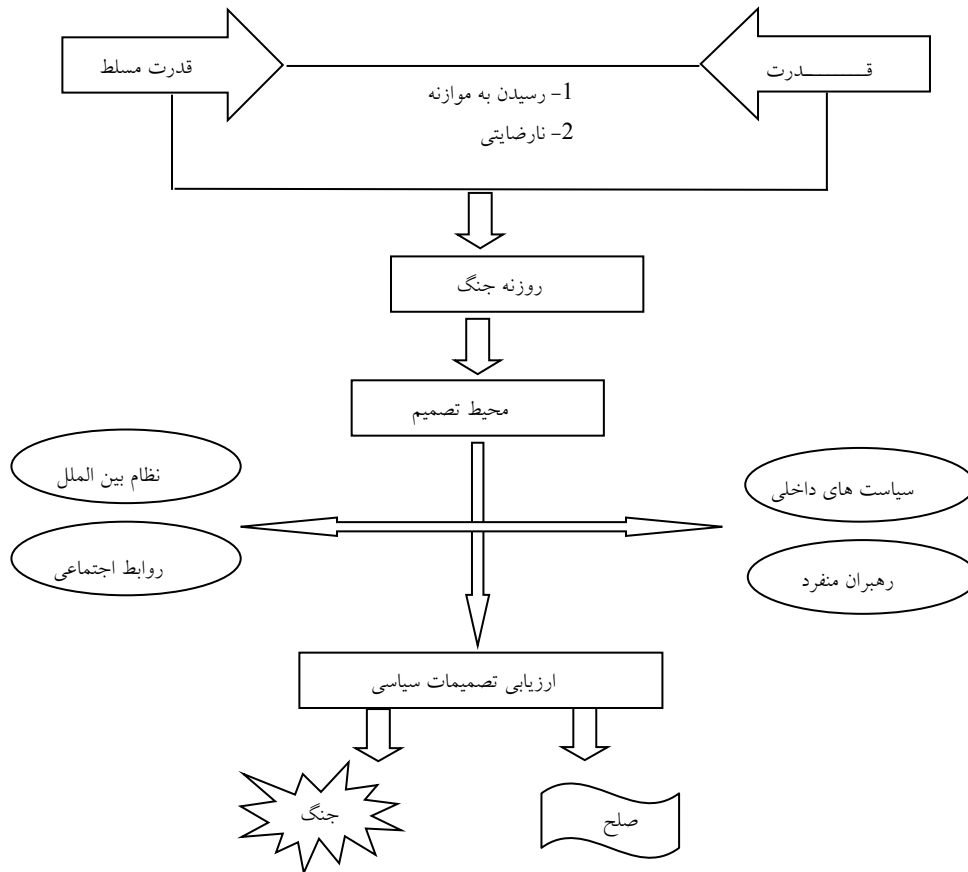
در آمریکا اصول دموکراتیک آن چنان ارزشمند است که چین در روابطش با آن کشور به سادگی نمی تواند موضوع دموکراسی و دموکراتیزه کردن را نادیده انگارد. چین برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ قابل احترام تر باید سطح حقوق بشر را ارتقاء بخشد، از مطبوعات آزاد حمایت کند و تکثر سیاسی را بپذیرد، البته این هدف دراز مدت چین هم هست.

از زمانی که ایمانوئل کانت برای اولین بار پیشنهاد سه رکنی صلح در 1759 را مطرح کرد، مردم امیدوار بودند که صلح پایدار در جهان مبتنی بر سه اصل؛ ارزش های دموکراتیک پذیرفته شده، وابستگی متقابل تجاری و قوانین بین المللی، قابل دسترس خواهد شد. با بررسی روابط اقتصادی، تجاری و اجتماعی گسترده پی می بریم چیزی که دو ملت را به همدیگر پیوند دهد وجود نداشته است. امروزه دو کشور، بازیگران اصلی در سازمان های بین المللی هستند و چین هرچند به کندی اما به سمت جامعه لیبرال و دموکراتیک تر حرکت می کند. با توجه به موقعیت جهانی دو بازیگر در معادلات بین المللی، امیدواریم و دلایلی هم موجود است که معتقد باشیم در آینده بر روابط دو قدرت اقیانوس آرام، صلح حکم فرما شود. (نجفی سیار، پیشین: 43)

اگر آمریکا در روابط با چین، چالش تاریخی این کشور را بپذیرد و سیاستمداری مدیرانه و ابتکار عمل به خرج دهد، می تواند در شرایط مسالمت آمیز در مسائل منطقه ای و جهانی با چین همکاری داشته باشد و درون این کشور انتقال قدرت صلح آمیز در آینده

را مدیریت نماید.

مدل ارزیابی رفتار آمریکا با چین بر مبنای نظریه سازه انگاری



نتیجه گیری

به طور کلی واکنش های نظری ایالات متحده در قبال چین از دوران عادی سازی روابط برخاسته از شرایط و مقتضیات زمانی حاکم بر روابط دو کشور است که در بطن این واکنش ها؛ رفتارهای تعامل سیاسی، همگرایی اقتصادی و احاطه استراتژیک نهفته

است. این واکنش‌های نظری را می‌توان در چارچوب الگوهای افزایش قدرت برای حفظ تعادل و توازن، نظریه حفظ تعادل و توازن به ضرورت ترس، نظریه ثبات هژمونیک، نظریه بازی دو سطحی: (بازی مرکب از تعارض و همکاری) در روابط بین الملل و مدل سازه‌انگاری الکساندر ونت تحلیل کرد.

در چارچوب تئوری نواقعه‌گرایی کنت والتز، توازن یک الزام سیستمی است که آمریکا باید آن را جهت دفاع از خود و نظم جهانی به عنوان یک کالای عمومی در مقابل اقدامات چالش‌گرایانه چین انجام دهد.

طبق نظریه والت هر زمان: دولت‌ها با انباشت قدرت رقیب غیر متوازن شوند، تلاش خواهند کرد که قدرت خود را افزایش دهند یا این که با دیگران متحد شوند تا توزیع قدرت بین المللی را متوازن کنند، به همین روی است که آمریکا در جهت مبارزه با چالش چین که ناشی از قدرت نظامی این کشور، بدنبال توسعه و رشد اقتصادی شتابانش حادث خواهد شد، مجبور است به سیاست توازن قوا متکی شود.

در چارچوب نظریه رابرت گیلپین، در صورتی که افزایش توان چین در صدد برهم زدن نظم اقتصادی حاکم باشد بایستی آمریکا با روش همگرایی و توازن با این کشور برخورد نماید. از نظر وی علت اتخاذ روش همگرایی اقتصادی آمریکا با چین در این است که رشد اقتصادی سریع چین، این کشور را به یک قدرت هژمونی در حیات خلوت خودش تبدیل کرده است.

در چهارچوب نظریه بازی‌ها در حوزه‌های روابط سیاسی - استراتژیک این پتانسیل وجود دارد که رفتار دو کشور به سمت همگرایی پیش رود یا این که به منازعه بینجامد، ولی در مورد روابط اقتصادی دو کشور، اغلب تحلیل‌گران اقتصادی دنیا، بازی حاصل جمع غیر صفر را مرجح و عقلانی تر می‌دانند.

و بالأخره طبق نظریه سازه‌انگاری؛ می‌توان دریافت که تعاملات در همه سطوح چهارگانه بین آمریکا و چین از 1990 مثبت بوده یا به سمت جهت‌گیری‌های مثبت

حرکت می کرده است، اما در همه این سطوح مسائلی وجود دارد، این مدل در پی کشف آن است که دو کشور به توسعه بیشتر روابط، ایجاد اعتماد متقابل و ممانعت از قرار گرفتن مسائل مناقشه انگیز در دستور کار اصلی نیاز دارند. به علاوه بحث شده که با سیاست گذاری آینده نگرانه و حمایت عمومی، آمریکا و چین می توانند روابط خود را به صورت صلح آمیز و با آرامش در عصر جهانی شدن و عمیق شدن وابستگی های متقابل اداره نمایند.

منابع

- جاموسی، حامد(1384)؛ بررسی روابط آمریکا با چین پس از جنگ سرد، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت(1372)؛ **نظریه های متعارض در روابط بین الملل**، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- دهشیار، حسین(1386)؛ "چارچوب نظری واکنش آمریکا به صعود چین"، **فصلنامه مطالعات منطقه ای، اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی**، سال نهم، شماره 1.
- قادری، حاتم(1379)؛ **اندیشه سیاسی در قرن بیستم**، تهران: انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی(1370)؛ **اصول سیاست خارجی و روابط بین الملل**؛ تهران، انتشارات سمت.
- قنبرلو، عبدالله(1384)؛ "نقش حقوق بشر در هژمونی آمریکا"، **ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره 211-212.
- گیدنز، آنتونی(1379)؛ **جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی**، ترجمه علی اصغر سعیدی، یوسف حاجی عبدالوهاب، انتشارات علم و ادب، تهران: چاپ اول.
- مجتهد زاده، پیروز(1381)؛ **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، انتشارات سمت، تهران.
- مقتدر، هوشنگ(1370)؛ **سیاست بین الملل و سیاست خارجی**، انتشارات موسسه خدماتی - انتشاراتی مفهرس، تهران: چاپ اول.
- نجفی سیار، رحمان(1388)؛ **الگوهای رفتاری ایالات متحده با چین**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی.

- Chon A. Vasquez and Colin Elman (2003), *Realism and the Balancing of Power*, Upper Saddle River, N.G: Prentice Hall.
- Cox, Michael (2002), "September 11th and U.S. Hegemony", *International Studies Perspectives*, Vol.3, No.1.
- Gulick, Edward V (1967), *Europe's Classical Balance of Power*, New York, Notion.
- Keohane, Robert and Jose Nye (1977), *Power and Interdependence World Politics in tradition*, Boston: Little Brown.
- Hoffman, Stanley and Fidler, David (1991), *Rousseau on International Relations*, New York: Oxford University Press.
- J. Fermi A (1981), *Grimace's Political Thought*, Oxford, University Press.
- Mearsheimer, John (1995), "the False Promise Of International Institutions", *International Studies Quarterly*, Winter 1994/1995, vol.19.
- Hendrickson, David (2005), "The Curious Case of American Hegemony: Imperial Aspirations and National Decline", *World Policy Journal*, Vol. 22, No. 2.
- Snyder, Jack (2003), *Imperial Temptations*, The National Interest, Vol. 71, Spring.
- Viorst, Milton (1970), "Talk with a Reasonable Man", *New York Times Magazine*, (April 5).

The U. S. Theoretical Analyses of Behavioral Patterns towards China

Ebrahim Mottaghi¹

Associate Professor of Tehran University

Abstract

Since the normalization of ties up to now, the United States behavioral patterns about china has been a combination of political interaction, economic convergence as the alternative policy, and strategic in folding pattern as the prior policy. For a visionary analysis of the United States behavior about china, different types of these behaviors must be segregated. In the frame of political-strategic ties, the potential exist for the behaviors of the tow countries to converge or result in conflict. For example, the united state-china ties regarding to the Taiwan issue, is an irremissibly issue which can be analyzed in a zero sum game frame, but about the economic ties between the tow countries, must of the economic critics in the world, consider the non-zero sum game more preferable and rational. Because both countries can benefit from the relative economics advantages to develop economically.

In this article, initially, I describe the three United States' behavioral patterns regarding to china, and analyses and probe this patterns in the frame of the national patterns of experts.

Key Words: Behavioral Patterns, Political Interaction, Economic Convergence, Strategic Enfolding.

¹ Email: Emottaghi@hotmail.com

Interpretative Construction of Security in terms of Constructivism

Hassan Eivazzadeh Ardebili¹
Lecturer of Islamic Azad University, Zanjan Branch

Constructivism is as a new and exquisite view in the contemporary international relations. It seems to be as a mainstream alternative which can enough to stop the rationalist ideas that they pay. In this respect, the aim is security issue and its changes in the post Cold War. The author attempts to evaluate the security issue in view of Constructivism which seem to indicate between different identities and security in interaction with the rules and norms intellectual and cultural world of contemporary international relations will be developed.

Key Words: Constructivism, Security, International relations, Cold War, Discourse

¹ Email: hevazzadeh@yahoo.com

**Micro Strategy of the U.S. in the Middle East: A Sense for
Interaction of Soft Power and Hard Power**

Seyed Mohammad Tabatabaei¹
Associate Professor of Allameh University
Yousef Sayfi
Student of Allameh University

Abstract

Soft Power theory is a definition of power which many governments have used it consciously or unconsciously long time before its exposure in states relations. However the importance of this theory is because of its new definition by which we can study behaviors and the manner of governments in the domain of international affairs.

This is to say that the contrast exists in this theory on power concept, could be considered as a scale for the governments facing with interests and aspirations that they have defined it before for themselves.

Now, if we consider the United States main strategy in the Middle East with this view and the U.S. soft and hard power, we can find three special periods since new century up to now. During these three periods, gradually the importance of soft power has been increased against the hard power.

The reason for the hard power declines is because of the limitations that U.S. has had in the Middle East from the beginning of his presence in this region. Therefore, the U.S. is left with no choice but to use soft power as a tool to overcome the hard power limitations.

Key Words: Soft Power, Hard Power, Micro Strategy of the U.S. , Middle East

¹ Email: mtabatabaei@hotmail.com

Identity Crisis and Its Solution from Discursive Perspective

Hossein Seifzadeh¹
Professor of Tehran University

Abstract

The “exteriority” of unidimensional devices to identify the self, motivated this scholar to offer an intellectual construct to “simulate” the “contextual-based” and plural identity of the self in the Caspian basin countries. Built upon Saussurian “syntagmatic axis,” he offers a “correspondence discursive” construct. Unlike to what Saussure calls “paradigmatic axis” of unidimensional definitions of either individual or collective self, the “correspondence discursive construct” is contextual-bound. Hence, it is perpetually de/re-constructed by the antithetical forces between (1) the ideational and situational contexts or (2) the individual or collective self. Inspired by both Molawi and the Heidegerian presumptions that the ideational self is unvoluntarily “thrown to” and “delivered over” to the “corporal” or “situational,” he/she/or they remain persistently positioned to be “thrown-away” of them. Nonetheless, the self is evolved within corporal or situational. Due to this inherent contextuality, I named this construct as “discursive identity.” It is to be noted that this intellectual construct gives the priority to individual will to define the self or accept a definition of the self. As such, discursive identity deconstructs both primordial or institutional definitions of identity, as suggested by either traditional or modern philosophers.

Key words: Caspian, Plural identity, Discursive identity, intellectual construct, Identity, populisen

¹ hseifzadeh@yahoo.com

**A Survey on Nuclear Cooperation between Iran and Russia during
Khatami and Ahmadinejad Periods**

Davood Bavand¹

Visiting Professor

Tahereh Mirzaee

Student of Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Russian and Iranian foreign policy in history has been based on alerts and news. If you look to the new era of relations between Iran and Russia, these relationships are formed around a core fundamental as “nuclear cooperation”. Nuclear cooperation between Iran and Russia began when Tehran’s top priority was reconstruction and strengthening economic and security with the purpose of compensation for damages caused by the 8 years war with Iraq. In January 1995 Moscow and Tehran have signed a contract to complete the Bushehr nuclear power plant worth \$800 million.

Since the Bushehr contract, Washington constantly wanted to stop this 100- megawatt light – water reactor and is concerned that this facility will help Iran’s nuclear weapons.

The main question, in this research, is that what was the result of cooperation between Iran and Russia on the Bushehr nuclear project during President . Khatami and President .Ahmadinejad?

And to prove it, in this study, we hypothesized that cooperation between Iran and Russia during Per. Khatami was based on political – economic purposes and during Per. Ahmadinejad the military and security aspects became the top priority than political – economic aspects.

Keywords: Iran, Russia, Nuclear power, Foreign policy, Nuclear cooperation

¹ Email: hbavand@yahoo.com

The Behavior Study of Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran toward crises inside Chechnya, Bosnia, Palestine in the form of Ideology and National Interest

Ardeshir Sanaei¹

Assistant Professor, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Abstract

Foreign policy intensifies a country ordination regarding to the international political structure. Each country is required to design an active and dynamic foreign policy aiming to operating within the international context. The national benefit is taken in account as a framework that based on that approaches and appliances of the foreign policy are organized. In the other word, achievement of national interest play role as an intensifier for state foreign policies.

Due to its particular identity in the foreign policy that emerges its dimensions and decisions adapted with the Islamic regulations, Iran has a type of performance different from the other countries. Within the present study focus is on those decisions and the actions taken by the diplomacy organism of Islamic Republic of Iran within the three critical districts of Chechnya, Bosnia, and Palestine. Regarding the fact that system of Iranian diplomacy and legislation is based on the Islamic ideology, a comparative comparison study is conducted on these three districts. Necessity of adaptation between the Iranian foreign diplomacy and these criterions and also the national interest are discussed through the research. The questions that this study attempts to response includes: what kinds of actions have been operated by the Islamic Republic of Iran confronting with events of these three districts? Moreover, do the actions have been adapted with the Islamic ideology or the national interests, or constitution?

Keyword: Ideology, National Interest, Foreign Policy, Chechnya, Bosnia, Palestine

¹ sanaei@yahoo.com

Right Wing in France: From de Gaulle to Sarkozy

Hojjatollah Ayoobi¹

Assistant Professor, Tehran University

Abstract

In this paper, the history and characteristics of the right-wing of France have been studied with the emphasis on Gaullists. Despite his opposition with party system, General de Gaulle contributed to the advancement of this system in France through establishing the political party. After him, Jacques Chirac undertook the General de Gaulle's heritage for achieving democracy by forming the "Union of Democrats for the Republic". During Jacques Chirac Presidency, this Party was on the wane. Finally, Nicolas Sarkozy won the internal party campaign and took control over the presidency of this party by changing the name of party to "Union for the Presidential Majority". In addition to the other Parties like the Gaullists and Naglists, the French National Front is one the most important political Parties in the right-wing. Some people consider this party - which is far-right - amongst Neo-Nazists because of its severe and extreme positions. This article deals with the most important Right-Wing Parties in France.

Key Words: Political Parties, Right Wings, Right Hand, Glism, National Front,

¹ Email: hayoobi@yahoo.com

Influences of Arabic Spring and Color revolutions in Central Asia and the Caucasus

Habibollah Abolhassan Shirazi¹

Associate Professor, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Abstract

Arabic uprisings which began from Tunisia and developed to Egypt, Morocco, Jordan, Libya, Syria, Yemen and Bahrain, there was some questions to mind that the uprising could spread to other parts of the world? Possibility of long-term instability into Eurasia in general and in the Caucasus and Central Asia in particular have created serious concerns about the occurrence of similar uprisings against the political regimes in the region. Arabic uprisings leading to the establishment of authoritarian regimes and prevent their societies form any development conditions. There are some similarities between the communist societies of the Soviet Union and the Arabic societies such as widespread corruption, lack of atmosphere of competitive politics and the gap between rich and poor class. Appearance of some colored revolutions in the CIS countries have also considered as an unexpected event in the third millennium.

This paper attempts to answer these questions that why and how Arabic Spring happened? How we can analysis influences of Arabic Spring in Central Asia and the Caucasus? This paper also investigates the formation of color revolutions in the Eurasia, causes and factors which influenced in Georgia, Ukraine and Kyrgyzstan developments.

Key Words: Arabic Spring, Color revolutions, Islamic awakening, Middle East, Central Asia and the Caucasus

¹ Email: habib_shirazi@yahoo.com

Content

- Influences of Arabic Spring and Color revolutions in Central Asia and the Caucasus** 1
Habibollah Abolhassan Shirazi
- Right Wing in France: From de Gaulle to Sarkozy** 2
Hojjatollah Ayoobi
- The Behavior Study of Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran toward Crises inside Chechnya, Bosnia, Palestine in the form of Ideology and National Interest** 3
Ardeshir Sanaei
- A Survey on Nuclear Cooperation between Iran and Russia during Khatami and Ahmadinejad Periods** 4
Davood Bavand & Tahereh Mirzaee
- Identity Crisis and Its Solution from Discursive Perspective** 5
Hossein Seifzadeh
- Micro Strategy of the U.S. in the Middle East: A Sense for Interaction of Soft Power and Hard Power** 6
Seyed Mohammad Tabatabaei & Yousef Sayfi
- Interpretative Construction of Security in terms of Constructivism** 7
Hassan Eivazzadeh Ardebili
- The U. S. Theoretical Analyses of Behavioral Patterns towards China** 8
Ebrahim Mottaghi



Permission Number by IAU: 87/325358, 25/9/1387, Central Organization

ISSN: 1735-7500



Academic Advisors

Aghaie, Ashrafi, Ebrahimifar, Izadi, Amini, Shirazi, Bakhshayeshi, Balazade, Derakhshe, Haghshenas, Thoifam, Ghamat, Eivazi, Khabiri, Rahbar, Mortazaviyan, Musavi, Naghibzade, Seifzadeh, Khosravi, Nayeri, Naderpour, Ghorbani, Maghsudi.



Editor: Dr. M.Haghshenes

Print Inspector: Mohammad Reza Lanjani

Cover & Page Designer: Ashkezar Advertisting

Publisher: Islamic Azad University, Central Tehran Branch



Address:

No. 66, Mahestan Ave, Iranzamin St, Shahrakegharb, Tehran

Phone and Fax Number: 88376732-88376730

E-Mail: iauctb_psin@yahoo.com

Web Address: www.iauctb.org

International Relations Journal

Vol. 5, No. 19, Autumn 2012

Political Science Faculty, Islamic Azad University, Central Tehran
Branch, License Holder: 87/325358, 25/9/1387 by IAU, Co



Chief Director:	Mohammadali Khosravi
Director in Chief:	Habibollah Abolhassan Shirazi
Executive Director:	Aliakbar Amini



Editorial Board:	
Hossein Seifzadeh	Faculty of Law and Political Science, Tehran University
Davoud Aghai	Faculty of Law and Political Science, Tehran University
Ahmad Naghibzadeh	Faculty of Law and Political Science, Tehran University
Abbasali Rahbar	Faculty Political Science, Allameh Tabatabai University
Mohammadali Khosravi	Faculty of Political Science, Islamic Azad University
H. Abolhassan Shirazi	Faculty of Political Science, Islamic Azad University
Aliakbar Amini	Faculty of Political Science, Islamic Azad University